

حسین موسویان در گفت‌وگو با «تابناک»: (بخش پایانی)

اگر همه فتنه‌ها از کنگره آمریکاست، چرا برنامه‌ای برای تأثیر بر آن نداریم؟

ما سفیری در نیویورک داریم که اگر بخواهد به واشنگتن برود، باید مجوز بگیرد که البته مجوز هم به او نمی‌دهند. رفتن سفیر ما به واشنگتن به این فرض است که جمهوری اسلامی ایران اجازه بدهد، نماینده ما برود و یک نماینده کنگره را روشن کند!

04 February 2014-

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۳۹۲ - ۱۱:۱۹

کد خبر: ۳۷۵۸۰۴

گفت‌وگو با سیدحسین موسویان در آخرین روزهای حضور وی در ایران، پیش از سفر دیگر وی به ایالات متحده در دفتر تابناک برگزار شد.



موسویان که این روزها بیشتر به «دیپلمات سابق» شناخته می‌شود، بارها از بی‌علاقگی خود به شغل و پست دولتی سخن می‌گوید و دعوت از وی نیز تا اندازه بسیاری به همین سبب انجام گرفته است. هدف گفت‌وگو، بررسی ابعاد گوناگون مذاکرات هسته‌ای با نگاه به راه رسیدن به توافق نهایی بر سر موضوع هسته‌ای ایران از زبان کارشناسی بود که ضمن آگاهی از ابعاد گوناگون موضوع هسته‌ای ایران، فارغ از قید و بندهای سیاسی و دیپلماتیک، بتواند در این باره نظر کارشناسی بدهد و پیش‌بینی‌هایش فشاری نیز بر مذاکره‌کنندگان ایرانی نیابد.

هم‌اکنون بخش پایانی این «گفت و گو» را پیرامون روابط ایران با اروپا و وضعیت منطقه خاورمیانه خواهید دید.

موسویان همچنین از سفر خود به ایالات متحده برای پیگیری پایان کتاب جدید خود با موضوع روابط ایران و آمریکا خبر داد. هم‌اکنون این گفت‌وگو را در شرایطی می‌خوانید که از سفر موسویان به آمریکا چند روزی گذشته است.

* چرا در دوران اخیر نتوانسته‌ایم در اروپا با کنگره و پارلمان اروپا تعامل کنیم؟

- نداشتن ارتباط بهینه با غرب، ضعف بزرگ دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از اول انقلاب است. اولاً لابی ایران در آمریکا صفر است، در حالی که پاتوق تبلیغاتی جهان در آمریکاست. همه رسانه‌های دنیا را از لحاظ وزن، قدرت و دامنه تأثیرگذاری در یک کفه ترازو و بقیه رسانه‌های دنیا را در کفه دیگر بگذارید. لازم نیست که فقط دیپلمات‌های ما با غرب ارتباط برقرار کنند. چهره‌های علمی و آکادمیک ما هم حضور فعال ندارند. شما وقتی به غربی‌ها نگاه می‌کنید، می‌بینید دیپلمات‌هایشان، دیپلمات‌های بازنشسته، رسانه‌ها و مراکز علمی و مطالعاتی به طور فوق‌العاده گسترده و هماهنگ تنظیم شده و تنظیم نشده در راستای اهداف غرب حرکت می‌کنند.

- ما در جمهوری اسلامی چند مرکز فکر داریم. واقعا مراکز فکر در ایران ضعیف و فشل است. در ایران برای یک کنفرانس بین‌المللی، دو هزار مشکل از مکان، محتوا و مهمانان وجود دارد.

کشورهای غربی دست مراکز فکرشان را باز می‌گذارند که به هر کشوری می‌خواهند بروند و بحث کنند. من یقین دارم که مراکز فکری غربی، در چهارچوب غرب حرکت می‌کنند؛ یعنی ارتباط و همکاری متقابل بدون اینکه دستور بگیرند وجود دارد.

* آقای موسویان، تعامل نامناسب ما با غرب در حالی است که گروه‌های معاند از جمله گروهک منافقین ارتباط گسترده و مناسبی با اتحادیه اروپا برقرار کرده‌اند و حتی می‌شود گفت لابی کوچکی در اتحادیه اروپا به شمار می‌آیند. چه وضعی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بوده که حتی نتوانسته‌ایم به اندازه منافقین در اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشیم؟

— فعالیت تبلیغاتی یک گروهک به نام منافقین از گذشته تا کنون از تمام فعالیت‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی بیشتر بوده است. همین الان این گروهک پنجاه تا شصت نیروی ثابت برای کنگره آمریکا تعیین کرده که ۲۴ ساعته در آنجا لنگر انداخته‌اند، حال آنکه جمهوری اسلامی یک نفر هم ندارد. اگر قبول داریم تمام فتنه‌ها از کنگره آمریکا برمی‌خیزد، چرا هیچ برنامه‌ای برای تأثیر در کنگره نداریم؟

ما سفیری در نیویورک داریم که اگر بخواهد به واشنگتن برود، باید مجوز بگیرد که البته مجوز هم به او نمی‌دهند. رفتن سفیر ما به واشنگتن به این فرض است که جمهوری اسلامی ایران اجازه بدهد که نماینده ما برود و یک نماینده کنگره را روشن کند! در حالی که متأسفانه باید بگویم، لابی صهیونیست نفوذ و قدرت وحشتناکی در کنگره آمریکا دارد.

البته منافقین هم بدون شک پولشان را از غربی‌ها که به دنبال براندازی و تضعیف هستند می‌گیرند و خرج می‌کنند. مثلاً یک نماینده از آمریکا دعوت می‌کنند و نزدیک به ۶۰۰۰۰ دلار برای ده دقیقه سخنرانی می‌دهند. ما به گمان خود با شعار دادن همه چیز درست می‌شود.

ایران در اروپا و آمریکا لابی و دیپلماسی عمومی ندارد. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی صفر است. روزانه میلیون‌ها صفحه علیه ایران می‌نویسند، ولی متأسفانه یک کلمه کسی پاسخ نمی‌دهد. برای دیپلماسی عمومی برنامه‌ای در کار نیست. در حالی که ایران باید در سطح رسانه‌ها فعالیت کند تا بتواند حرف و پیام جمهوری اسلامی را انتقال دهد. شما باید در همه کنفرانس‌ها و برنامه‌ها باشید و از منافع کشور دفاع کنید و حرفتان را بزنید.

فرض کنید کنگره آمریکا بالاترین دشمنی را داشته باشد. شما باید روشنگری کنید، چرا که صهیونیست‌ها و منافقین دارند آن‌ها را منحرف می‌کنند و دروغ به خورد آن‌ها می‌دهند.

بنده امیدواریم که دولت جدید برنامه‌ای برای ایجاد لابی در همه کشورها داشته باشد. مثلاً ما در عربستان و جهان عرب لابی نداریم. متأسفانه کسی نیست و انگار نه انگار که علیه منافع ایران صحبت می‌شود. ما به جز چند کشور مثل عراق که رابطه خوبی با او داریم، هیچ تأثیری نداریم.

* ایرانیان خارج کشور می‌توانند چه تأثیری در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی داشته باشند؟

– اگر ما شش میلیون تن در خارج داریم، ۵۹۹۰۰۰ مدافع ایران و حقوق ایران هستند. عده‌ای مزدور مثل منافقین که مخالف و به دنبال تغییر رژیم و جنگ هستند با جمهوری اسلامی مخالفاند. چطور ایران نمی‌تواند از پتانسیل میلیون‌ها ایرانی استفاده کند؟! ایرانیان زیادی هستند که می‌خواهند از ایران دفاع کنند، ولی زمینه فراهم نیست و متأسفانه برنامه ریزی از داخل برای استفاده از توانایی‌های بالقوه ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد.

* برخی از کارشناسان علل ضعف ایران در دیپلماسی عمومی را کمبود بودجه می‌دانند. نظر جنابعالی چیست؟

– البته همه دیپلماسی پول نیست. عرق ملی ایرانیان را نمی‌شود با پول خرید. برنامه و طرح می‌خواهد برای اینکه عرق ملی ایران در راستای منافع ایران استفاده شود. شما لازم نیست به شش میلیون پول بدهید که برای ایران کار کنند. شما صدها ایرانی دارید که حاضرند برای منافع ایران میلیاردها کمک کنند. بیشتر باید گفت در جمهوری اسلامی استراتژی، برنامه و عزم وجود ندارد. در سی سال گذشته، هیچ عزمی برای سازمان‌دهی دیپلماسی عمومی فعال و ایجاد لابی مقتدر در دورترین نقاط جهان نبوده است.

* شما مهم‌ترین مشکل در دوران گذشته در ایجاد مشکلات فراوان در روابط ایران و غرب را چه می‌دانید؟

– خطای استراتژیک در دوران آقای احمدی‌نژاد رخ داد. در آن دوران سیاست خارجی ما به گونه‌ای جلو رفت که نه تنها اروپایی‌ها به دامن آمریکا افتادند، بلکه حتی از آمریکایی‌ها در تحریم ایران پیشی گرفتند. تحریم بانک مرکزی و نفت را اول اروپایی‌ها اجرا کردند. در دهه هفتاد دیپلمات‌های وزارت خارجه تلاش کردند تا اجازه داده نشود تحریم‌های یکجانبه آمریکا جهانی شود. برای همین، بلوک قدرتمندی در خط مقدم بسیج شده بودند که در دروان مشکلات بدهی‌های ایران فشار به ژاپن و اروپا آوردند تا انقلاب و ایران را خفه کنند. اما با تلاش‌های آن موقع این اتفاق نیفتاد و باعث شد که بدهی‌های ایران را با پوشش‌های گوناگون رفع کردیم. در چند سال گذشته، فقط کاری کردیم که اروپایی‌ها گوی سبقت را از آمریکایی‌ها ربودند.

دیپلماسی مورد نظر مقام رهبری مبنی بر عزت، حکمت و مصلحت با شعارهای افراطی به دست نمی‌آید. حرف را لازم نیست در قالب کاملاً بد بزیم که دنیا متنفر بشود. متأسفانه در گذشته در بدترین قالب با دنیا تعامل می‌کردیم.

* یکی از مهم‌ترین بحث‌های سیاست خارجی در سطح منطقه روابط ایران و عربستان است که می‌تواند تأثیرات بسیار گسترده‌ای داشته باشد. تحولات اخیر خاورمیانه و وضعیت ایران را در دوران اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– دو ماه پیش، بنده بحثی را در کنفرانس منامه مطرح کردم. کنفرانس منامه مهم‌ترین کنفرانس بین‌المللی در مورد منطقه خلیج فارس است و هیچ کنفرانسی وجود ندارد که نزدیک به سیصد تن از مهم‌ترین افراد

کشورهای منطقه در آن شرکت کنند. هرچند بنده نماینده رسمی ایران نبودم، آنجا پیشنهاد کردم برای توقف تقابل بین ایران و کشورهای همسایه خلیج فارس و ورود به جاده تعامل، ما به سیستم همکاری‌های جامع منطقه‌ای بین ایران، عراق و سازمان همکاری‌های خلیج فارس نیاز داریم. اگر چنین سیستم همکاری بین کشورهای منطقه به وجود بیاید، مشابه سیستم‌های همکاری که در اروپا هست، می‌تواند مشکلات این منطقه را حل کند.

کشورهای کوچک وقتی به عظمت ایران از نظر نیروی انسانی و گستردگی خاک نگاه می‌کنند می‌ترسند. بحرین، قطر و امارات وقتی به ایران از روی نقشه جغرافیا نگاه می‌کنند، شب خواب ندارند. این وحشتی که امروز در منطقه از ایران وجود دارد، چند برابرش در اروپا از آلمان وجود داشت. چون آلمان دو جنگ جهانی هم ایجاد کرده بود. ایران جنگ به راه نینداخته است، ولی آلمان توانسته همه نگرانی‌های امنیتی را برطرف کند. آلمان در قالب یک سیستم تعامل منطقه‌ای هضم شده است. این کشور در سیستم تعامل منطقه‌ای با اینکه عملاً هنوز قدرتمندترین کشور اروپاست، نگرانی‌ها را هم برطرف کرده است. آن‌ها ساختارهای سیاسی امنیتی ایجاد کرده‌اند که تمام نگرانی‌های امنیتی سایر کشورهای اروپایی را برطرف کرده‌اند. آلمان صد برابر بیشتر از ایران متهم به دخالت در اروپا بود. در آن کنفرانس از این ایده خیلی‌ها استقبال کردند. حتی اروپایی‌ها و امریکایی‌ها که حاضر بودند، گفتند این چیزی است که بشود روی آن کار کرد.

* آیا این ایده قابلیت اجرا با توجه به وضعیت منطقه را خواهد داشت؟

- اگر شما ایده و ابتکار داشته باشید، باید کمی بازتر نگاه کنید. امریکا می‌خواهد از منطقه خاورمیانه و خلیج فارس خارج شود. حضور امریکا در ۴۰ و پنجاه سال گذشته بنا بر سلطه بر منطقه برای نفت بود. این سیاست در حال پایان است برای اینکه امریکا تا چند سال آینده از نظر نفت مستقل می‌شود و تا ده سال آینده، نخستین صادرکننده نفت جهان خواهد شد. در واقع بحثی که ما چهل سال است می‌کنیم که همه چیز برای نفت است در حال تمام شدن است. موضوع خروج امریکا یک واقعیت فوق‌العاده استراتژیکی است که باید استراتژیست‌ها آن را درک کرده و از این فرصت استفاده کنند.

* آینده خاورمیانه را با توجه به تحولات اخیر چگونه می‌بینید؟

- خاورمیانه کاملاً به هم ریخته است. واقعا بحران‌ها در خاورمیانه تمام معادلات خاورمیانه را به هم ریخت و از دل این بهم‌ریختگی تهدیدات فوق‌العاده جدی و مشترکی برای ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی مثل افراط‌گرایی سلفی‌ها و تروریسم پدید آمده است. این نخستین تهدید مشترک و نگرانی مشترک برای ایران و امریکاست.

شعاری که بوش در آغاز سال ۲۰۰۰ مبنی بر جنگ با تروریسم داد، تنها یک کشور به نام افغانستان بود؛ اما امروز تروریسم خاورمیانه را فرا گرفته است. هیچ کشوری در منطقه قدرت مبارزه با افراط‌گرایی جز ایران ندارد. غربی‌ها و امریکایی‌ها این موضوع را خوبی می‌فهند.

سیستم قدرتمند امنیتی، نظامی و منابع انسانی فوق‌العاده زیاد ایران، باعث شده هیچ کشوری مثل ما نتواند جلو موج تروریسم و افراط‌گرایی بایستد. البته اینکه چه طراحی وجود دارد که از این ظرفیت به وجود آمده

استفاده شود، من خبر ندارم! خاورمیانه جدید در حال شکل‌گیری است و تمام معادلات گذشته به هم می‌ریزد. سقوط مبارک و بن علی سقوط یک شخص نبود. بی‌ثباتی که امروز در عراق و افغانستان و در سوریه وجود دارد، نشان از یک خاورمیانه جدید است.

*** آقای دکتر در آخرین پرسش بفرمایید ایران باید چه سیاست خارجی در مقابل وضعیت جدید خاورمیانه پیش بگیرد؟**

— همه قدرت‌های بزرگ یعنی از روسیه، چین، هند گرفته تا امریکا و اروپا حاضرند با ایران دست بدهند؛ بنابراین، من واقعا یک مقطعی را در تحولات منطقه‌ای می‌بینیم که در صد سال گذشته بی‌سابقه بوده و شاید در چند دهه آینده هم چنین فرصتی برای ایران پدید نیاید و این گونه نشود.

حیف است در چنین شرایطی در دعوای داخلی فرو برویم. هیچ خیانتی بالاتر از این نخواهد بود که در چنین مقطعی که ما می‌توانیم موضوع هسته‌ای و تحریم را برطرف و یک رقابت منطقه‌ای در راستای منافع ایران سازمان‌دهی کنیم، به دعوای داخلی بپردازیم که مثلا چه کسی انتخابات مجلس را خواهد برد یا خواهد باخت. گاهی فکر می‌کنم سیاستمداران ما اصلا در فاز تحولات منطقه‌ای و جهانی نیستند و جای دیگری برای خودشان سیر می‌کنند.